

فصل دوم

درس چهارم	سبک‌شناسی در قرن‌های هفتم، هشتم و نهم (سبک عراقی)
درس پنجم	پایه‌های آوایی همسان (۱)
درس ششم	مجاز
* کارگاه تحلیل فصل	

کتاب: علوم و فنون ادبی 2

پایه: یازدهم

درس: چهارم (سبک عراقی)

تخصصی علوم انسانی

مدرس: مریم برونی

استان خوزستان - ناحیه چهار اهواز

درس چهارم

سبک عراقی

سبک‌شناسی قرن‌های هفتم، هشتم و نهم

ویژگی‌های سبک عراقی

الف) شعر:

ویژگی‌های شعر این دوره در سه قلمرو عبارت اند از:

۱. زبانی:

برخی از ویژگی‌های زبانی شعر این دوره عبارت است از:

- چهارچوب زبان همان چهارچوب فارسی قدیم یعنی زبان سبک خراسانی است که تا حدودی مختصات جدید یافته است؛
 - لغات فارسی اصیل قدیم کم شده و جای آنها را لغات عربی گرفته است؛
 - «می» اندک اندک جای «همی» را گرفته است؛
 - «در» به جای «اندر» در حال جایگزین شدن است و نیز واژه‌های «ایدون، ایدر، آبا، آبر و...» بسیار اندک به کار می‌روند؛
 - به کارگیری حرف نشانهٔ «مر» در کنار مفعول جمله کم شده است.
- اساساً مهم‌ترین ویژگی زبانی سبک عراقی در هم آمیختگی مختصات نو و کهن است که گاهی در یک شعر کوتاه نیز در کنار هم دیده می‌شود.



افزایش کاربرد غزل و تثبیت جایگاه تخلص در پایان آن

افزایش توجه به آرایه ای بدیع و بیان

معشوق متعالی و الهی

از رونق افتادن قصیده و رواج غزل عارفانه و عاشقانه

رواج تصوف، اعتقاد به قضا و قدر

پرهیز از زهد ریایی، برتری عشق بر عقل

۲. ادبی:

برخی از ویژگی‌های ادبی شعر این دوره عبارت است از:

- در شعر این دوره کاربرد غزل بیشتر شد و جایگاه «تخلص» در انتهای آن تثبیت گردید.
- توجه به علوم ادبی از جمله «بیان» و «بدیع» بیشتر شد.
- شعر این دوره از دربار خارج شد؛ قصیده از رونق افتاد و غزل عارفانه و عاشقانه رواج یافت.

۳. فکری:

برخی از ویژگی‌های فکری شعر این دوره به شرح زیر است:

- فکر در این دوره با تأثیرپذیری از مسائل سیاسی و اجتماعی دستخوش تغییر شد؛ مثلاً در دوره خراسانی، معشوق شاعر، زمینی و دست‌یافتنی بود ولی در شعر این دوره، مقام معشوق اندک‌اندک متعالی می‌گردد تا آنجا که گاه با معبود یکی می‌شود. **عراقی**
- بعد از حمله مغول و خدشه‌دار شدن غرور و احساسات ملی ایرانیان، نیاز به سخنان آرام‌بخش و توجه به امور اخروی بیشتر می‌شود و این امر باعث رواج بیشتر تصوف می‌گردد؛ برخی اندیشه‌ها، از جمله بی‌اعتباری دنیا و اعتقاد به قضا و قدر رواج بیشتری می‌یابند.
- پرهیز از زهد ریایی، توجه به صفا و پالایش درون، برتری عشق بر عقل و امثال آنها مفاهیم و اندیشه‌های شعر این دوره را رقم می‌زنند.

■ مقایسه ویژگی‌های فکری سبک خراسانی و عراقی

عراقی	خراسانی
ستایش عشق	ستایش خرد
غم‌گرایی	شادی‌گرایی
فراق	وصال
ذهن‌گرایی یا توجه به دنیای درون	واقع‌گرایی یا توجه به دنیای بیرون
رواج روحیه عرفانی و اخلاقی	رواج روحیه پهلوانی و حماسی
باور به قضا و قدر	باور به اختیار و اراده
آسمانی‌بودن معشوق	زمینی‌بودن معشوق
بازتاب بیشتر علوم در شعر	بازتاب اندک علوم در شعر



ابو شکور بلخی از نخستین سخن سرایان قرن
چهارم در وصف خرد میگوید:
خردمند گوید خرد پادشاست
که بر خاص و بر عام فرمانرواست
خرد را تن آدمی لشکر است
همه شهوت و آرزو چاکر است

ابیات بعدی بوشکور را بشنویم :
خرد چون ندانی بیاموزدت
چو پژمرده گردی برافروزدت
خرد بی میانجی و بی رهنمای
بداند که هست این جهان را خدای
خرد بهتر از چشم بینایی است
نه بینایی افزون زندانی است
خردمند گوید که مرد خرد
به هنگام خویش اندرون بنگرد
خردمند داند که پاکی و شرم
درستی و رادی و گفتار نرم
بود خوی پاکان و خوی ملک
چه اندر زمین و چه اندر فلک
خرد باد همواره سالار تو
مباد از جهان جز خرد یار تو

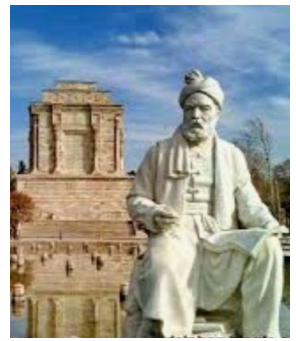
ناصر خسرو

تو با خردی و این جهان نادان
اندر خور تو کجاست این جاهل
با عقل نشین و صحبت او کن
از عقل کجا شود جدا عاقل؟
عقل است ابدی اگر بقا پایدت
و از عقل شود مراد تو حاصل
چون خویشتنت کند خرد باقی
فاضل نشود کسی جز از فاضل
بر جان تو عقل راست سالاری
عقل است امیر و جان تو عامل

مولانا

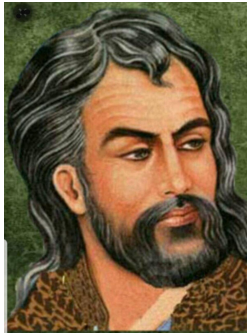
آتش عشق است کاندن نی فتاد
جوشش عشق است کاندن می فتاد
محرم این هوش جز بی هوش نیست
مر زبان را مشتری جز گوش نیست

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد



فردوسی

خرد بهتر از هرچه ایزد بداد
ستایش خرد را به آرزاه داد
کسی کش خرد باشد آموزگار
نگه داردش گردش روزگار
خرد مرد را خلعت ایزدی است
زاندیشه دور است و دور از بدی است
خرد رهنما و خرد دلگشای
خرد دست گیردو به هر دو سرای
کسی کو خرد را ندارد زپیش
دلش گردد از کرده خویش ریش
خرد چشم جان است چون بنگری
تو بی چشم شادان جهان نسپری
بد و نیک بر ما همی بگذرد
نباشد دژم هر که دارد خرد

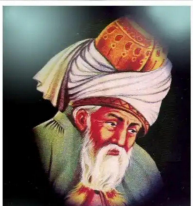


حافظ

وحافظ در فضیلت عشق بر عقل، در حالی که عاقلان
را نقطه پرگار وجود می شمارد گوید:
عاقلان نقطه پرگار وجودند ولی
عشق داند که در این دایره سرگردانند
بشوی اوراق اگر همدرس مایی
که علم عشق در دفتر نباشد

حکیم سنایی

حکیم سنایی شاعر قرن ششم گوید:
عقل در راه عشق نابیناست
عقلی کار بوعلی سیناست



منوچهری

خیزید و خز آرید که هنگام خزانست

باد خنک از جانب خوارزم وزانست

آن برگ رزان بین که بر آن شاخ رزانست

گویی به مثل پیرهن رنگ رزانست

دهقان به تعجب سر انگشت گزانست

کاندر چمن و باغ ، نه گل ماند و نه گلنار

طاووس بهاری را، دنبال بکنند

پرش ببریدند و به کنجی بگفتند

خسته به میان باغ به زارپیش پسندند

با او ننشینند و نگویند و نخندند

رودکی:

آمد بهار خرم با رنگ و بوی طیب
با صدهزار نزهت و آرایش عجیب

چرخ بزرگوار یکی لشکری بکرد
لشکرش ابر تیره و باد صبا نقیب

خورشید را ز ابر دمد روی گاه گاه
چونان حصاریی که گذر دارد از رقیب



سعدی:

شب فراق که داند که تا سحر چندست
مگر کسی که به زندان عشق در بندست

پیام من که رساند به یار مهر گسل
که بر شکستی و ما را هنوز پیوندست

حدیث عشق ز حافظ شنو نه از واعظ

اگرچه صنعت بسیار در عبادت کرد

در میخانه بستند خدایا مپسند

که در خانه تزویر و ریا بگشایند

پرهیز از زهد ریایی

کم رنگ شدن و از بین رفتن نثر فنی

رواج تاریخ نویسی به اسلوب ساده

ورود واژگان ترکی و مغولی به زبان فارسی

سستی و ضعف در ساختار دستوری نثر

(ب) نثر:

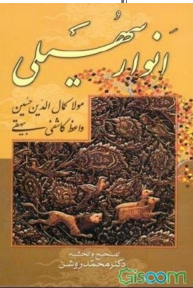
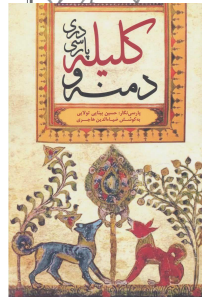
ویژگی های نثر این دوره در سه قلمرو عبارت اند از:

۱. زبانی:

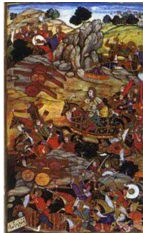
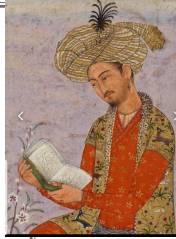
در این قلمرو ویژگی های زیر شاخص تر است:

● **نثر فنی کم کم در قرن هفتم ضعیف می شود و در قرن هشتم با سيطرة تیموریان بر ایران از میان می رود.** تا آنجا که نثر ساده در اکثر کتاب های این دوره جای نثر فنی را می گیرد. در قرن ششم چنین مرسوم بود که برخی نویسندگان، آثار موجود را که به نثری ساده بود، به نثر فنی باز می نوشتند. در این دوره (قرن هفتم و هشتم) برخی نویسندگان، کتاب های مشکل را به زبان ساده باز نویسی می کردند؛ چنان که ملاحسین واعظ کاشفی **کلیله و دمنه** را به انشای دوره خود باز گرداند و آن را «**انوار سُهیلی**» نامید.

● **تاریخ نویسی در این دوره به اسلوب ساده رواج یافت،** هر چند نمونه هایی با نثر پیچیده نیز در میان تاریخ های این دوره یافت می شود. در مقدمه کتاب **ظفرنامه شامی** که قدیمی ترین تاریخ نوشته شده درباره تیمور است، می خوانیم: «**امیر تیمور به من دستور داد که ساده بنویسم؛ به طوری که عامه مردم بفهمند.**» **تاریخ نویسی از اوایل دوره مغول،** به سبب **علاقه شدید آنان به ثبت وقایع مربوط به پدران و اجدادشان شروع شد و در دوره تیموری هم ادامه یافت.** حاشیه نویسی های متعددی نیز به نثر ساده بر تاریخ های قدیم انجام گرفت. البته باید توجه داشت که این سادگی نثر همه جا یکسان نیست و **نثر ساده این دوره را نمی توان فصیح و بلیغ دانست.**



- از دیگر ویژگی‌های نثر این دوره، ورود لغات قبایل مختلف ترک و مغول به زبان فارسی است که در دورهٔ تیمور سرعت رشد آن بیشتر شد؛ اما این جریان در زبان فارسی دیری نپایید. سلطان حسین بایقرا و امیرعلیشیر نوایی در حوزهٔ ادبی هرات، ترکی گویی و ترکی نویسی را تشویق می کردند. امیرعلیشیر نوایی چند کتاب از جمله «محاكمة اللغتين» را به ترکی نوشت و ظهیرالدین بابر هم «بابرنامه» را به ترکی نوشت. نمونه‌ای از کلمات دخیل که هنوز هم در زبان فارسی استعمال دارند، عبارت‌اند از: بیلاق و قشلاق (سردسیر و گرم‌سیر)، قشون (ارتش) و یورش (هجوم).
- به‌وجود آمدن سستی و ضعف در ساخت دستوری جملات نثر، از ویژگی‌های دیگر این دوره است.



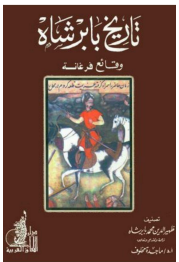
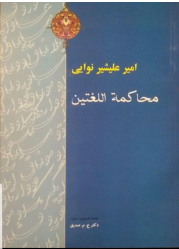
۲. ادبی

- در اندیشهٔ ادیبان این دوره، صنایع ادبی جای تعمق و تفکر را گرفت؛ اما چون استعداد های بزرگی در این عرصه ندرخشیدند، در کتاب‌های مصنوع و متکلف بیشتر به ظاهرسازی و تصنع پرداختند و به استعاره‌های دور از ذهن و آوردن سجع‌های متوالی و بی روح روی آوردند.

۳. فکری

- به علت کشتن یا متواری ساختن فضلا و نابودی کتابخانه‌ها، از صحت و اتقان مطالب کاسته شد و ضعف و انحطاط فکری این دوره را فرا گرفت.
- همچنین به علت نبودن استادان بزرگ و از بین رفتن مراکز علمی، تحقیق و تتبع در بین علما و ادیبان تضعیف شد.
- مدعیان عرفان هم که به اقتضای زمانه با مغولان کنار آمده بودند، اندک‌اندک اصالت خود را از دست دادند و به درسی کردن عرفان و شرح اصطلاحات و پیچیده جلوه دادن مفاهیم آن پرداختند؛ در نتیجه در این دوره، کتاب عرفانی مهمی به نثر نوشته نشد.

تصاویری از بابرنامه





خودارزیابی

۱ شعر زیر را بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید:

آن یکی آمد در یاری بزد
گفت من؛ گفتش «برو هنگام نیست»
خام را جز آتش هجر و فراق
رفت آن مسکین و سالی در سفر
پخته شد آن سوخته؛ پس بازگشت
حلقه زد بر در به صد ترس و ادب
بانگ زد یارش که «بر در کیست آن؟»
گفت یارش: «کیستی ای معتمد؟»
بر چنین خوانی مقام خام نیست
کی پزد کی وارهاوند از نفاق؟
در فراق دوست سوزید از شرر
باز گرد خانهٔ انباز گشت
تا بنجهد بی ادب لفظی ز لب
گفت «بر در هم تویی ای دلستان»

مولوی

(الف) دو مورد از ویژگی‌های زبانی ابیات بالا را بنویسید.

(ب) ویژگی فکری حاکم بر شعر چیست؟

(پ) دو مورد از ویژگی‌های ادبی شعر را بنویسید.

(ت) بیت پایانی را تقطیع هجایی کنید و در جدول بنویسید:

کی ست آن	رَش کِ بَر دَر	بان گ زَد یا
دِل سِ تان	هَم تُ یِ ای	گُف ت بَر دَر

۲ چرا در عصر مغول و تیمور، تاریخ‌نویسی رواج پیدا کرد؟ توضیح دهید.

۳ ویژگی‌های زبانی ابیات فردوسی و حافظ را در مثال‌های زیر با یکدیگر مقایسه کنید:

چنین گفت رستم به آواز سخت
اگر جنگ خواهی و خون‌ریختن
بگو تا سوار آورم زابلی
بر این رزمگه‌شان به جنگ آوریم
که ای شاه‌شادان دل و نیک بخت
بر این گونه سختی برآویختن
که باشند با خنجر کابلی
خود ایدر زمانی درنگ آوریم

فردوسی



یکی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد
 از لعل تو گر یابم انگشتی زنه‌ار،
 صد ملک سلیمانم در زیر نگین باشد
 غمناک نباید بود از طعن حسود ای دل
 شاید که چو وایینی، خیر تو در این باشد
 هر کاو نکند فهمی زین کلک خیال انگیز
 نقشش به حرام‌ار خود، صورتگر چین باشد

حافظ

۴ یک مورد از ویژگی‌های فکری بیت‌های زیر را بنویسید؛ سپس تشبیه‌های موجود را بیابید و نوع آنها را مشخص کنید.

آتش است آب دیدهٔ مظلوم
 چون روان گشت، خشک و تر سوزد
 تو چو شمعی از او هراسان باش
 کاؤل، آتش ز شمع سر سوزد

سیف فرغانی

۵ ویژگی‌های فکری متن زیر را بنویسید.

بدان که شریعت، گفت انبیاست و طریقت، کرد انبیاست و حقیقت، دید انبیاست. سالک باید که اول از علم شریعت آنچه ما لا بُد است، بیاموزد و یادگیرد و آنگاه از عمل طریقت، آنچه ما لا بُد است به جای آورد تا از انوار حقیقت به قدر سعی و کوشش وی روی نماید.

عزیزالدین بن محمد نسفی

۶ پایه‌های آوایی را در بیت دوم شعر فردوسی (خودارزیابی ۳) مشخص نمایید.

